

وقایع تنگک و تنگستان ساحلی در نخستین ماههای جنگ جهانی اول؛

نقض بی طرفی ایران و شکل گیری مقاومت های مردمی

عبدالرسول خیراندیش* / سکینه ذاکری**

دریافت مقاله: ۹۴/۰۱/۱۶

پذیرش مقاله: ۹۴/۰۴/۰۱

چکیده

هرچند در سراسر سالهای جنگ جهانی اول گستره ی جغرافیایی ایران عرصه مقاومت ملیون در برابر نیروهای بیگانه بوده است، اما در این میان تنگستان و تنگستانی ها آوازه ای بلند یافته اند. یکی از دلایل این امر پیوستگی خاک تنگستان به بوشهر، مهمترین بندر تجاری ایران در دوره قاجاریه بود. دلیل دیگر پیشقدمی تنگستانی ها در مقابله با متجاوزانی بود که بی طرفی ایران را در جنگ نقض کرده بودند. در این راستا روستای کوچک تنگک و کدخدای آن حاج علی تنگکی از یک طرف و باریکه ساحلی تنگستان با ضابطی رئیسعلی دلواری نقش خاصی در آغاز شکل گیری مقاومت عمومی مردم جنوب ایران طی ماه های اول جنگ جهانی اول داشته اند، بطوریکه این ناحیه کوچک و رویدادهای آن که ابعادی محلی داشت، در کانون تحولات ملی ایران آن روزگار قرار گرفت. اگرچه نقض بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول در مقیاس های ملی و بین المللی مورد بررسی قرار گرفته است. اما هدف این تحقیق آن است تا با روش استنادی نشان دهد، رخدادهایی هرچند در مقیاس محلی چگونه آغازگر نقض بی طرفی ایران شده اند و بدین ترتیب ابعاد جدیدی از ظرفیت های تحقیق در تاریخ محلی مورد بررسی قرار گیرد. چنانکه در این تحقیق نخستین بار بطور مستند و مبسوط نقش حاج علی تنگکی بازشناسی و معرفی شده است.

کلید واژه: تنگک، بوشهر، تنگستان، حاج علی تنگکی، رئیسعلی دلواری، موقرالذوله، مخبرالسلطنه.

* دانشیار رشته تاریخ دانشگاه شیراز. پست الکترونیک: arkheirandish@yahoo.com
** دانشجوی دکتری واحد بین الملل دانشگاه شیراز. پست الکترونیک: sakineh.zakeri@chmail.ir

مقدمه

اولی سالهای جنگ جهانی اول (۱۳۳۸-۱۳۳۳ ه.ق. ۱)، با آمدن واسموس به منطقه برای حفظ و حراست از منافع آلمان، برنامه ریزی انگلیس برای دستگیری او که نقض آشکار بی طرفی ایران بود، به اجرا درآمد و این از جمله حوادثی بود که قبل از اسارت حاج علی تنگی در بوشهر رخ داد.

چهار ماه پس از جنگ جهانی اول، در ۸ مارس ۱۹۱۵ میلادی لیستمان / ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۳۳ ق. کنسول آلمان در بوشهر دستگیر شد و بار دیگر بدین ترتیب بی طرفی ایران در جنگ توسط انگلیسی ها مجدداً نقض و یک ماه پس از آن قوای نظامی انگلیس مستقر در بوشهر او را به بصره و سپس هند فرستادند.

این دخالت آشکار، مجاهدان را به حرکت درآورد و منجر به آن شد که هشت ماه پس از جنگ جهانی اول، درگیری در تنگک، همراه با دستگیری حاج علی و همراهانش رخ داد که پس از یک ماه اسارت در بوشهر به هند تبعید شدند. بدین ترتیب سومین بار دخالت نظامی در یک کشور بی طرف صورت پذیرفت. پس از دستگیری و تبعید حاج علی نیروهای مبارز مردمی دست به حملات تلافی جویانه شدیدی علیه قوای بیگانه در بوشهر زدند. رئیس علی دلواری که درگیری قهرآمیز نظامی و اسارت حاج علی تنگی توسط نیروهای بیگانه را در منطقه برنتابیده بود، قصد تلافی و اخراج آنها را از بوشهر داشت که پس از حمله های مکرر به

طی سالهای جنگ جهانی اول (۱۳۳۸-۱۳۳۳ ه.ق. / ۱۹۱۸-۱۹۱۴ م.)، دولت مرکزی ایران بسیار بی ثبات بود. این در حالی بود که نیروهای روسی، بریتانیایی و عثمانی با نقض بی طرفی ایران، نواحی گسترده ای را دستخوش ناآرامی ساخته بودند. در فقدان دولت با ثبات و ارتشی مقتدر که بتواند حافظ مرزها باشد، در بسیاری از نقاط کشور، نیروهای محلی به دفاع در برابر بیگانگان پرداختند. علاوه بر انگیزه های دینی و ملی موثر در شکل گیری چنین مقاومت هایی، موقعیت جغرافیایی این مناطق نیز در پیدایی این روند نقش مهمی داشته است. روندی که منجر به تکوین مبارزه استقلال طلبانه ایرانیان در برابر بیگانگان شد. در واقع مقاومت در برابر تهاجم بیگانه در آن سالها گرچه دارای روح واحدی مبنی بر پی گیری آرمان های میلیونها ایرانی بود، اما در عمل عبارت از مقاومت های محلی پراکنده ای بود که در هر منطقه بنا به مقتضیات جغرافیایی و انسانی آن منطقه پدیدار می شد. از جمله روستای کوچک تنگک در مجاورت شهر بوشهر، شاهد نخستین موارد نقض بی طرفی ایران و واکنش در قبال آن بود. در اینجا کدخدای روستا حاج علی تنگی که متحد و همراه رئیس علی دلواری بود پیشقدم مبارزه با بیگانگان شد.

توضیح آنکه با شروع جنگ جهانی اول در ۱۴ نوامبر ۱۹۱۴ میلادی برابر با ۱۲ ذیحجه ۱۳۳۲ ه.ق. دولت ایران بلافاصله اعلام بی طرفی کرد. سه ماه بعد در اواخر ژانویه ۱۹۱۵ م. / ربیع

۱ - تاریخ های میلادی با مراجعه به تقویم تطبیقی یکصد و چهل و یک ساله حسام سرلتنی محاسبه و استفاده گردیده است.

آنان در ماه سپتامبر سال ۱۹۱۵ م. /ذیقعه ۱۳۳۳ق. ، به صورت غافلگیرانه به شهادت رسید. شهادت او در منطقه منجر به حملات تلافی جویانه جدیدی توسط مجاهدین شد. نیروهای انگلیسی که از پس این مبارزات برنیامدند، یک ماه بعد در ۸ اوت ۱۹۱۵م. /ذیقعه ۱۳۳۳ق. ، بوشهر را اشغال کردند و عملاً نقض بی طرفی ایران را به حد اعلی خود رساندند. در ۲۶ اوت/ ۱۶ ذیحجه ۱۳۳۳ق. هیجده روز پس از اشغال بوشهر ، در زمان فرمانداری نظامی انگلیس در آنجا، حاج علی و چهارده تن دیگر را که تا آن زمان در بوشهر زندانی بودند به شهر تانه هند تبعید کردند.

آغاز جنگ جهانی اول و نقض بی طرفی ایران

با آغاز جنگ در حالی که ایران رسماً اعلان بی طرفی کرده بود و " اعلان بی طرفی دولت ایران به همه حکام و مامورین سیاسی ایران مخابره " (سعادت: ۱۳۹۰، ۱۹۵) شده بود، سه ماه بعد از شروع جنگ، واسموس آلمانی در روزهای آخر ژانویه سال ۱۹۱۵ میلادی/ بهمن ۱۲۹۳ خورشیدی/ ربیع الاول ۱۳۳۳ق. از طریق " روستای شیخ سعد در کنار رود دجله در جنوب کوت العماره با دو نفر آلمانی دیگر، راهی مرز ایران شد " (چیک، ۳۰). نیروهای انگلیسی نقض بی طرفی در ایران کرده، او را مورد تعقیب قرار دادند. دستگیری واسموس و دو همراه وی در فوریه ۱۹۱۵م. {ربیع الثانی ۱۳۳۳ق.} (سفیری ۵۱، صورت گرفت. شرح این درگیری و گرفتاری واسموس را اسنادی از مهدیقلی

مخبرالسلطنه حکمران فارس بازگو می کند. مخبرالسلطنه دو تلگرافی را که از طرف واسموس از برازجان به ایالت فارس فرستاده شده بود به وزارت داخله در تهران مخابره و شکایت او را به مرکز منعکس کرده است. در تلگراف اول در تاریخ ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۳۳ه.ق. ۹/ مارس، واسموس اظهار داشته که چگونه او را مورد حمله قرار داده اند (بیات: ۱۳۸۱، سند شماره ۶، ۱۸۰). کمی بعد انگلیسی ها لیستمان کنسول آلمان در بوشهر را هم دستگیر کردند. مخبرالسلطنه به نقل از واسموس در تلگراف دوم در مورد دستگیری کنسول آلمان در بوشهر نگاشته : " دیشب {۲۱ ربیع الثانی ۱۳۳۳} انگلیس ها در بوشهر قونسول و وکیل تجارتخانه آلمان را دستگیر نموده اند و لازم دانست خاطر مبارک را مستحضر از این قضیه حق شکنانه نمایم. واسموس " (همان، ۱۸۱). با این عمل موجبات نقض بی طرفی ایران فراهم (همان، سند شماره ۱۶، ۱۹۲) گردید. مسئول ژاندارمری رونوشت این دو تلگراف را که از کارگزاری فارس به وزارت داخله مخابره شده بود، به وزارت امور خارجه ارسال می کند. همچنین تلگرافی از وزارت داخله به ایالت فارس ارسال شد که در آن " تامین حیات او {واسموس} را ضرور " ی (همان، سند ۷، ۱۸۲) دانسته است.

مخبرالسلطنه هدایت والی وقت فارس با اعتراض نسبت به نقض بی طرفی ایران توسط انگلیسی ها به تهران هشدار داد :

" و اینکه مردم اعلی درجه افسردگی را از

قضیه بوشهر و بندر ریگ {تعقیب و فرار و اسموس} دارند... در بوشهر هم صلاح نیست قشون پیاده نمایند زیرا که ممکن است پیاده کردن قشون تازه باندازه ای اسباب تحریک بشود که اختیار از دست اولیای امور برود" (احرار، ۱۷۹-۱۷۸).

او در ادامه می افزاید :

" انگلیس از هر کس به حال مردم گرمسیر بهتر آگاه است و میدانند که آنها در دفاع وطن خود از دولت خارجه واهمه ندارند، پس در اینصورت نباید کاری کرد که به رگ تعصب این طوایف بر بخورد " (همانجا).

پنج ماه بعد از فرار و اسموس ، در ۲۰ ژوئیه ۱۹۱۵م. / هفتم رمضان ۱۳۳۳ ه.ق. و شش ماه پس از شروع جنگی که ایران در آن اعلام بیطرفی نموده بود، نیروهای انگلیسی با دخالت در امور داخلی و اسارت کنسول آلمان در بوشهر بی طرفی ایران را مجدداً نقض کردند که با واکنش عمومی روبرو شد. ژاندارمری فارس بدین امر اعتراض کرد (بیات، سند شماره ۹، ۱۸۴) و در تهران نیز افکار عمومی جریحه دار شد (کشف تبلیس: ۱۳۳۶، ۹۳).

این نقض بی طرفی ایران توسط نیروهای بیگانه ادامه و توسعه یافت تا اینکه در سمت جنوب نیروهای انگلیسی بوشهر را اشغال کردند:

" انگلیس ها به مساله بی طرفی ایران اعتنا ننموده به نام جلوگیری از طوایف تنگستانی و جلوگیری از تحریکات و اسموس که بعد از فرار به سمت شیراز به تنگستان معاودت کرده و در

آنجا اقامت داشت، در بوشهر تقریباً سی هزار نفر قشون سواره و پیاده با امکانات حربی و لوازم مقتضیه به ساحل ایران وارد ساختند و لشکرگاه خود را در بهمنی که یک فرسخ جنوب بوشهر است معین نمودند. از اول محرم سنه ۱۳۳۳ تا اواسط شهر شعبان سنه مذکوره، قوای دفاعیه و توپ خانه به اندازه لزوم تهیه نمودند. و در ضمن این ششماه، تلگراف بی سیم و چراغ های برقی دریایی برای هدایت کشتی ها در لنگرگاه بوشهر ایجاد کردند "

(سعادت، ۲۰۵-۲۰۴).

گرچه حضور نظامی انگلیس در ایران، که نوعی لشکر کشی به شمار می آمد، از آغاز قرن بیستم و قبل از جنگ جهانی اول اتفاق افتاده بود:

" ناویان انگلیسی بمنظور پاسداری از هیئت های خارجی در سال ۱۹۰۹ در بوشهر و در سال ۱۹۱۰ در لنگه پیاده شدند و در سال ۱۹۱۱ هم گارد محافظت کنسولی را تقویت کرده و یگانهای سواره نظام هندی را به شیراز و اصفهان گسیل داشتند. در سال ۱۹۱۳ تشکیلات ژاندارمری ایران که افسران سوئدی امور فرماندهی آن را بعهده داشتند، در آن مناطق نظم و آرامش برقرار کرده بود، واحدهای سواره نظام هندی فراخوانده شدند، اما وقوع جنگ جهانی اول اوضاع را پیش از پیش وخیم تر گردانید، طوریکه سرزمین ایران به طور غیررسمی ، به آوردگاه نیروهای متفقین و متحدین، درآمد "

(یاب و بوش: ۱۳۸۰، ۱۰۰-۹۹).

آنچه که از نقض بی طرفی ایران در منطقه تا

اینجا نقل شد همه در کرانه های شمالی خلیج فارس رخ داده بود. اما حرکت نظامی که نیروهای انگلیسی علیه حاج علی تنگکی انجام دادند را می توان نخستین واکنش آشکار و درگیری مسلحانه نیروهای مردمی با انگلیسی ها در منطقه دانست.

موقعیت جغرافیایی تنگک

محل استقرار نیروهای انگلیسی در شبه جزیره بوشهر قسمت میانی آن بود که به فاصله اندکی از تنگک واقع شده است. در جنوب شرقی شبه جزیره بوشهر و در امتداد جاده ای که مرکز شهر بوشهر را به بندرگاه وصل می کند، در میان تپه ها و تنگه هایی که نقاط بلند شبه جزیره بوشهر به شمار می آید سه سکونتگاه وجود دارد که به ترتیب از شمال به جنوب تنگک محمد جعفری (رئیزی) یا تنگک اولی، تنگک زنگنه یا تنگک دوم و تنگک سوم یا تنگک صفری یا تنگک غریب (کنین: ۱۳۸۷، ۹۹-۹۸) نامیده می شود.

لوریمر کنسول انگلیس در بوشهر، تنگک را شامل شش روستا می داند (Lorimer, 1908, P 338). در حالیکه یک محقق محلی فقط سه روستا را ذکر می کند. او می نویسد تنگک نام چند روستا در سمت جنوبی مدخل شبه جزیره بوشهر است که در سال های جنگ جهانی اول وقایع بسیاری در آنجا رخ داد. نام این روستاها عبارت است از: "تنگک زائر عبداللطیف که تنگک صفر نام دارد. تنگک محمد جعفر، تنگک زنگنه و تنگک بوستانی" (سعادت، ۲۳۱-۲۳۰). همه این روستاها اکنون از محلات شبه جزیره بوشهر هستند. این منطقه را که بیات " یک فرسخی بوشهر" (بیات، ۱۹) و فسایی یک فرسخ و نیم جنوبی بوشهر (فسائی: ۱۳۷۸، ۱۳۳۴) می داند، دروازه منطقه تنگستان به بوشهر محسوب می شد. در واقع منطقه تنگک راه مستقیم و میان بری بود که بوشهر را به تنگستان ارتباط می داد. تنگک همین موقعیت را نسبت به ریشهر که ییلاق بوشهر است داشت (خاطرات حاج سیاح: ۱۳۵۹، ۱۲). در یکی از اسناد آن دوره آمده: "صحرای ریشهر که متصل به تنگستان است وسیع و دارای طرق عدیده است" (بیات، سند شماره ۱۸، ۱۹۴). یکی از این راه ها به تنگک وصل می شد. یکی از مطلعین بومی در این باره می گفت: این منطقه دارای سه ناحیه مسکونی است که در گذشته آنها را تنگک های سه گانه، به نام تنگک اول، تنگک دوم و تنگک سوم می نامیدند. موقعیت جغرافیایی این تنگک های سه گانه از جنوب به شمال به این صورت است: "تنگک اول یا تنگک صفر در ابتدای میدان برج مقام به طرف جاده حلیله بوشهر واقع است. تنگک دوم حد فاصل سه کیلومتری میدان برج مقام به طرف حلیله بوشهر قرار دارد. تنگک سوم به فاصله پنج کیلومتری میدان برج مقام تا جاده حلیله است (محمدی باغملایی: تیرماه ۱۳۹۳، مصاحبه). در پی وقایعی که در اوایل جنگ جهانی اول رخ داد، تنگک توسط انگلیسی ها اشغال شد و "مرکز اردوی انگلیس بود" (فرامرزی: ۱۳۷۷، ۳۲). یک شاهد محلی نیز نوشته: "مقر فرماندهی نیروهای

اینجا نقل شد همه در کرانه های شمالی خلیج فارس رخ داده بود. اما حرکت نظامی که نیروهای انگلیسی علیه حاج علی تنگکی انجام دادند را می توان نخستین واکنش آشکار و درگیری مسلحانه نیروهای مردمی با انگلیسی ها در منطقه دانست.

موقعیت جغرافیایی تنگک

محل استقرار نیروهای انگلیسی در شبه جزیره بوشهر قسمت میانی آن بود که به فاصله اندکی از تنگک واقع شده است. در جنوب شرقی شبه جزیره بوشهر و در امتداد جاده ای که مرکز شهر بوشهر را به بندرگاه وصل می کند، در میان تپه ها و تنگه هایی که نقاط بلند شبه جزیره بوشهر به شمار می آید سه سکونتگاه وجود دارد که به ترتیب از شمال به جنوب تنگک محمد جعفری (رئیزی) یا تنگک اولی، تنگک زنگنه یا تنگک دوم و تنگک سوم یا تنگک صفری یا تنگک غریب (کنین: ۱۳۸۷، ۹۹-۹۸) نامیده می شود.

لوریمر کنسول انگلیس در بوشهر، تنگک را شامل شش روستا می داند (Lorimer, 1908, P 338). در حالیکه یک محقق محلی فقط سه روستا را ذکر می کند. او می نویسد تنگک نام چند روستا در سمت جنوبی مدخل شبه جزیره بوشهر است که در سال های جنگ جهانی اول وقایع بسیاری در آنجا رخ داد. نام این روستاها عبارت است از: "تنگک زائر عبداللطیف که تنگک صفر نام دارد. تنگک محمد جعفر، تنگک زنگنه و تنگک بوستانی" (سعادت، ۲۳۱-۲۳۰). همه این روستاها اکنون از

بیگانه در بوشهر، حد فاصل حلیله و بوشهر قرار داشت، که در آن زمان کاملاً تحت سیطره انگلیسیها بوده است " (مضطر: ۱۳۷۳، ۶۹). و در ادامه می افزاید: " نیروهای انگلیسی در شبه جزیره بوشهر، بهمینی و سبزاباد را مقرر خود ساخته در مسیر تنگک، مقابل دشت مسیله صف آراسته بودند" (همانجا، ۱۰۷). منطقه بوشهر در اصل یک شبه جزیره ای است که توسط یک باریکه به داخل کشور راه دارد. در واقع یک زمین مردابی و جلگه نمکزاری که جزیره بوشهر را از خشکی جدا می کند (سفرنامه ویلسن: ۱۳۶۳، ۲۰۹) معروف به مسیله است. در مدخل ورود به این شبه جزیره یک آبادی کوچک به نام برج مقام دیده می شود. از اینجا راه سه قسمت می گردد. یکی به طرف شمال و بندر بوشهر دیگری به طرف شرق و بهمینی و سومی به طرف جنوب می رود که از تنگک می گذرد. مضافات بوشهر مشتمل بر ۲۰ قریه شامل: احمدی، باغ شکری، بندرگاه، بیدشهر، تنگک، چاه کوتاه، چاه ملا {باغ ملا}، جفره، حسینکی، دواس، دوبره و روائی (فسائی، ۱۳۳۴) بود. تنگک یکی از روستاهای مضافات بوشهر بوده است (Lorimer, Opcite, P338). لوریمر کنسول انگلیس با اشاره به این نکته که تنگک در حاشیه شرقی شبه جزیره قرار دارد، موقعیت آن در قبال دسترسی به تنگستان و چاه کوتاه را بخوبی نشان می دهد. او جمعیت آن را در آستانه جنگ جهانی اول یکصد خانوار ذکر می کند (Lorimer, Opcite, P338).

بوشهر بود که محل استقرار نیروهای انگلیسی را به صورت مستقیم در تیررس قرار می داد و تهدیدی برای آنان محسوب می شد و مبارزین و مجاهدین به راحتی می توانستند بر آنان بتازند. چیک کنسول انگلیس در بوشهر در مورد موقعیت خانه حاج علی تنگکی می نویسد: " نزدیکی ریشهر به بوشهر موضع او را نسبت به ما خطرناک تر می کند. خبرآور ما بارها از پناه بردن بسیاری از اشرار به خانه او خبر آورده اند " (چیک، ۱۲۸-۱۲۷). بخش های تنگک، بهمینی و لیل (Lyli) از نقاط مهم و حساس بوشهر قبل از جنگ جهانی اول محسوب می شدند. یک شاهد عینی در این باره گزارشی از آن زمان دارد که اهمیت موقعیت تنگک را یادآور می شود. در سفری که صولت الدوله قشقائی در روز ۲۹ دسامبر ۱۹۱۰م. ۲۶/ ذیحجه ۱۳۲۸ق. از طریق مسیله وارد بوشهر شد و مورد استقبال دریا بگی در برج مقام قرار گرفت. او که از آمدن قشقائی ها به بوشهر دلواپس و نگران شده بود چندین روز خود را در خانه اش بیرون شهر منزوی کرد. اما برای محافظت از چهاربرج ۵۰ نفر تفنگچی از انگالی و ۳۰۰ نفر تفنگچی هم از چاه تلخ به بوشهر آورده و در بخش های تنگک، بهمینی و لیل قرار داده بود (بالیوز، ۲۵۳).

شخصیت و اقدامات حاج علی تنگکی

حاج علی تنگکی از افراد سرشناس منطقه و از بستگان رئیس علی دلواری و خالو حسین بردخونی بود. او در میان مردم از چنان محبوبیتی برخوردار بود که او را به عنوان کلدخای تنگک

است اطمینان داده که تنگستانی ها در بوشهر مشکلی به وجود نخواهند آورد " (بالیوز، ۱۵۴). گزارش سال ۱۹۱۳م. /۱۳۳۱ق. ، یکسال قبل از جنگ جهانی اول، از علی بن زایرحیدر از بستگان کدخدای ریشهر نام می برد که همراه با رئیس علی دلواری و دیگران به زایرخضرخان پیوسته و موجبات وحشت شیخ حسین خان چاهکوتاهی را فراهم کرده اند ، شیخ حسین خان از حکمران درخواست کمک نموده و به او پیشنهاد استخدام یکصد تفنگچی از شبانکاره برای مقابله با حاج علی را نموده است (بالیوز، ۳۱۹). در آغاز جنگ جهانی اول، سال ۱۹۱۵م. /۱۳۳۳ق. ، چیک ویس کنسول انگلیس در بوشهر : " کدخدای ریشهر عنصری خطرناک " (چیک، ۱۲۷) می داند. حساسیت بیگانه نسبت به او، نشانگر نقش مهم و حساس اجتماعی - نظامی حاج علی تنگکی در منطقه بوشهر است.

واکنش حکمران بوشهر در قبال اقدامات حاج علی تنگکی

حساسیت انگلیسی ها نسبت به حاج علی به سال های قبل از جنگ جهانی اول بر می گردد زمانی که او با همکاری رئیس علی اقدام به تهیه اسلحه از مسقط نموده و آنها را در معرض فروش قرار می داد. نایب کنسول بریتانیا در بوشهر می نویسد : " حاج علی تنگستانی و رئیس علی از سال ها پیش در کار تجارت دریایی بوده اند و اطلاعات کاملی از دست داشتن آنها در قاچاق اسلحه و فروش و توزیع آن در مناطق مختلف در دست است (چیک

و گاه ری شهر می شناختند. به این معنا که کدخدای مضافات (پیرامون) بندر بوشهر بوده است. حاج علی تنگکی " شخصی است مومن مقدس و باخدا و سابقا هم کلاتر سنگی و بهمنی که محله های یک فرسخی بیرون شهر است بود و اجازه مرخصی گرفت سال گذشته عازم مکه معظمه شد پس از مراجعت چون دیگری بجای او برقرار کرده بودند دیگر او را کلاتری ندادند ... موقرالذوله پولی زیاد از حاجی مرقوم گرفت مجددا در پنج ماه قبل کلاتری را به مشارالیه واگذار کرد (جام جم: ۱۳۳۳، ورقه فوق العاده). او " تا آن اندازه قدرت یافت که در امور شبه جزیره مداخله می کرد. این امر موجب کشمکش وی با موقرالذوله حکمران بوشهر گردید " (سعادت، ۲۳۱) و او را که رقیب سرسختش محسوب می شد از کدخدایی معزول نمود. " حاج علی تنگکی سابق براین کلاتر مضافات بوشهر بوده و تمکینی از موقرالذوله نمی کرده است بطوری که موقرالذوله او را عزل و زندانی کرد . اما بواسطه فشارهایی که بر او وارد آمد مجبور شد وی را آزاد سازد " (خیراندیش: ۱۳۷۰، ۳۳۳). تاثیر او در جامعه به صورتی بود که : " سالی یک هزار تومان زکات به فقرا می داد ، سالی یک هزار تومان جنس به کربلا می فرستاد " (بیات:سند شماره ۴۸، ۸، رمضان ۱۳۳۳ق. ۲۲۳) .

نقش موثر و تعیین کننده ی حاج علی تنگکی، کدخدای ریشهر، هشت سال قبل از جنگ جهانی اول در گزارش سال ۱۹۰۸م. /۱۳۲۶ق. آمده : " او که خود تنگستانی

تنگستانی و رئیس علی شتافت. پس از آن بود که زد و خورد بین حاج علی تنگستانی کدخدای ریشهر با نیروهای نظامی انگلیس در تاریخ ۲۱ جمادی الثانی/ ۶ مه ۱۹۱۵م. رخ داد. موقرالذوله حاکم بنادر در تلگرافی به وزارت داخله در ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۳۳ه.ق. ۹/ مه ۱۹۱۵م. حاج علی تنگکی را با نام " زایر علی " و " سرحلقه اشرار " معرفی می کند (بیات، سند شماره ۲۳، ۱۹۷). در سند ارسال شده از حکومت بنادر به وزارت داخله در تاریخ ۱۲ شعبان ۱۳۳۳ه.ق. که رونویس آن به وزارت خارجه نیز گزارش شده، موقرالذوله مجدداً حاج علی تنگکی را در زمره اشرار تنگستان جلوه داده می نویسد: " سند مورخه ۲۲ رجب به کارگزاری راجع به علی تنگکی و اشرار تنگستانی با نهایت حیرت و استعجاب زیارت گردید " (همان، سند شماره ۳۴، ۲۰۸).

بر اساس اسناد موجود در چهارم رجب ۱۳۳۳ه.ق. / ۱۹ مه ۱۹۱۵م.، موقرالذوله طی تلگرافی به تهران برای سرکوب حاج علی تنگکی و سایر همزمانش، با تصور این که نیروهای مبارز بومی در هنگام حمله به مواضع انگلیسی ها در بهمنی و سبزآباد در راه بازگشت از منزل حاج علی به عنوان مخفیگاه و پناهگاه استفاده کرده و به کنسولگری انگلیس و بانک شاهی حمله خواهند کرد، از مرکز تقاضای کمک نظامی کرده بود (همان، سند شماره ۲۹، ۲۰۳). در حالی که:

" منزل حاج علی در دهنه راه تنگستان بود انگلیسیها چون مصمم شده بودند در آن محل

(۱۲۷). واقعیت آن است که رئیس علی دلواری در سال های انقلاب مشروطه و استبداد صغیر در کنار روحانیت و نیروهای مبارز مردمی علیه استبداد و استعمار قیام کرده بود. در بررسی اسناد موجود، چهار سند به شماره های ۲۳ و ۲۹ و ۳۱ و ۳۴ وزارت داخله حاوی دیدگاه موقرالذوله حاکم بنادر علیه حاج علی تنگکی و شرح درگیری با او و کمک خواستن از قوای بیگانه و سه سند به شماره های ۴۸ و ۴۹ و ۵۱، له اوست. اسناد ۳۴ و ۱۶، علیه موقرالذوله حاکم بوشهر و سند ۲۹ اقرار او نسبت به خطایش است. سند شماره ۲۷ نگرانی والی فارس از نفرتی که به واسطه قضیه تنگک در جنوب حاصل شده، که با تکرار واقعه تنگک در شبانکاره پای قشون هندی در آنجا باز شود (بیات: ۱۳۷۷، سند ۲۷، ۲۱ شعبان سال ۱۳۳۳ه.ق.، ۱۴۴). در سند شماره ۴۸ دیدگاه زایر خضرخان یکی از سران مجاهدین، به طور دقیق و مفصل پیوست نامه مهدیقلی مخبرالسلطنه حکمران فارس به وزارت داخله مربوط به حاج علی مطالبی مشاهده می شود. سند شماره ۵۱ از اسناد وزارت داخله ایران حاوی دیدگاه شیخ حسین چاهکوتاهی است که به روشن تر شدن سیر حوادث کمک می رساند. سند شماره ۴۹ دیدگاه ژاندارمری به عنوان نیروی سوم و تا حدودی بی طرف در این رابطه حائز اهمیت است.

با شروع جنگ جهانی اول حاج علی تنگکی که از مخالفان سرسخت حضور بیگانه در جنوب ایران و بوشهر بود، به کمک مجاهدین

برج و بارو بسازند و او قبول نکرده بود ... انگلیسی ها آن نقطه مقصود را تصرف نموده و خانه او را قلعه نمودند (عصرجدید: ۱۳۳۳، شماره ۵، ۳۶).

جام جم می نویسد:

" منزل حاجی علی در یک فرسخ بوجمی (وجمی) بوشهر که اسم آنجا تنگک است می باشد و در این تنگک دوسه چاه آب شیرین می باشد ... انگلیسیها مدتیست در صدند شاید به پول یا به زور کاری کنند که این چاه های آب و خانه حاجی علی که در تنگک است بتصرف خودشان ... بجهت قلعه ساختن و استحکامات ... باشد نه از طرف دشتستان و نه از طرف دیگری کسی را قدرت آمدن در بوشهر و هجوم بر انگلیسی ها نیست (جام جم: ۱۳۳۳، ورقه فوق العاده).

موقرالذوله به ژاندارمری بوشهر دستور حمله و دستگیری حاجی علی را داد. اما ژاندارمری که تحت تاثیر جمعی از رجال تحصیلکرده و با نفوذ شیراز؛ مخالفان انگلیس قرار داشت، از اجرای این حکم سر باز زد. موقرالذوله ناچار به انگلیسی ها متوسل شد. انگلیسی ها با ۲۰۰ نفر سرباز هندی و انگلیسی اقدام به حمله کردند. در هفتم ماه مه ۱۹۱۵م. / اردیبهشت ۱۲۹۴ ش. ۲۱/ جمادی الثانی: " نیروهای انگلیسی به کمک موقرالذوله به تنگک هجوم آوردند و زائر علی تنگکی و اتباعش را به جرم برنامه ریزی برای بسیج افراد مسلح و یورش به کنسولگری بریتانیا تار و مار کردند " (مضطر، ۲۷). موقرالذوله زمانی که با اعتراض عمومی و مقابله

نیروهای مردمی روبرو شد به اشتباه خود اقرار کرد: " بنده خودم معترفم که استمداد از گارد قونسولگری اساسا امری غلط بوده " (بیات، سند شماره ۲۹، ۲۰۳)، اما در توجیه عملکرد خود در همکاری با نیروهای انگلیسی، گناه را به گردن دولت انداخت (همانجا). در حالی که با بررسی گزارش چیک نایب کنسول انگلیس در بوشهر معلوم می شود از قبل، هماهنگی و همکاری لازم با موقرالذوله برای دخالت انگلیسیان در این مورد صورت گرفته بود (چیک، ۱۳۱-۱۳۰).

انعکاس این واقعه در جامعه به این صورت بود که موقرالذوله در شب پنجشنبه ۲۱ جمادی الثانی / ۷ مه ۱۹۱۵م. چند نفر پلیس به خانه حاج علی می فرستد تا او را بیاورند. حاج علی که به بی تقصیری خودش یقین داشت در آمدن امتناع ورزیده، از خود دفاع می کند. در درگیری ده نفر زن و مرد از طرف حاجی علی و یک نفر از آدماهای موقرالذوله کشته می شوند. فردای آن روز موقرالذوله باده ژاندارمری امر می کند حاجی علی را دستگیر کرده نزد او ببرند. ژاندارمری که بی تقصیری حاج علی را می دانسته بهانه آورده، خواهان کسب اجازه از وزارت جنگ در مرکز می شود. موقرالذوله که مخفیانه با قونسول انگلیس هماهنگ کرده بود، یک عراد توپ با چند توپچی با ۲۵۰ نفر از سپاهیان هندی خانه حاج علی را محاصره می کنند. حاج علی با یازده نفر از خانه بیرون آمده عازم فرار می شود که مورد اصابت گلوله قرار گرفته زخمی و به امامزاده نزدیک خانه خود

... موقراللدوله امروزه در جنوب تماما برخلاف بی طرفی و استقلال ایران رفتار می کند ... بخدا قسم اگر چندی دیگر موقراللدوله در بوشهر بماند دولت ایران باید فاتحه بنادر را بخواند " (جام جم: ۱۳۳۳، ورقه فوق العاده).

پس از اتمام درگیری به نفع نیروهای انگلیسی، آنان که رئیس علی را مسبب این واقعه تصور می کردند با تعجب اظهار می دارند " از رئیس علی خبری نیست " (چیک، ۱۳۱).

در تاریخ ۱۷ رجب ۱۳۳۳ ه.ق. اول ژوئن ۱۹۱۵ م. موقراللدوله مجددا تلگرافی از بوشهر به تهران برای وزارت داخله مخابره کرده و در مقام دفاع از خود با فرافکنی، همصدا با انگلیسی ها، همکاری همه خوانین علیه نیروهای انگلیسی در بوشهر را به تحریک واسموس و اقدام حاج علی تنگکی دانسته و می گوید: " اگر هر تلگراف از برازجان عرض کنند بدانند از این اشخاص است تحریکاتی که بر خلاف انگلیسیان از طرف واسموس شد نتیجه اش بر انگیختن علی تنگکی و شرارت او بود " (بیات، سند ۳۱، ۲۰۶-۲۰۵). او در تلگراف ۱۲ شعبان ۱۳۳۳ ه.ق. ۲۵/ ژوئن ۱۹۱۵ م. خود به وزارت داخله، گناه را به گردن زمامداران مملکت انداخته، خود را تبرئه می کند (بیات، سند ۳۴، ۲۰۹-۲۰۸). در پاسخ او، ژاندارمری مرکز در حمایت از نظرات مجاهدین، در تاریخ ۱۴ جمادی الاول سال ۱۳۳۳ ه.ق. ۲۹/ آوریل ۱۹۱۵ م. تلگرافی در مورد موقراللدوله به وزارت داخله مخابره کرده مبنی بر اینکه: " حاکم بوشهر محتاج است که به وی بفهماند که آیا مشارالیه

پناهنده می گردد. سپاهیان هندی به خانه او حمله کرده، اسباب خانه و پول نقد او را که ده هزار بوده غارت و خانه اش را ضبط می کنند (جام جم: سال اول، ۳ رجب ۱۳۳۳ ق. ۸).

ماجرای لشکر کشی انگلیسی ها علیه کدخدای ریشهر با کمک و همیاری موقراللدوله، در تهران انعکاس گسترده ای یافت و " بالا نشین ها را آزرده " (چیک، ۱۳۲) کرد. مقامات دولتی موقراللدوله حاکم بوشهر را که به هواداری و کمک انگلیسی ها با یکی از افراد سرشناس بوشهر یعنی حاج علی تنگکی درگیر شده بود توبیخ لفظی کرده و از این که موقراللدوله از نیروهای انگلیسی در سرکوب حاج علی استفاده کرده بود ابراز نارضایتی نمودند: " موقراللدوله به خاطر اقدام علیه یکی از معاریف بوشهر به نام حاج علی تنگکی سخت تحت فشار بوده است، زیرا موقراللدوله با کمک نیروهای انگلیسی به خانواده و اتباع حاج علی تنگکی حمله کرده و او را با عده ای اسیر و مضروب ساخته بود " (خیراندیش: ۱۳۷۰، ۳۳۳). مطبوعات آن زمان قشون کشی انگلیس علیه یک نیروی مردمی مدافع کشور را نقض بی طرفی و دخالت آشکار در امور ایران تلقی نموده، به شدت نسبت به انجام این حادثه اعتراض نمودند:

" از موقراللدوله نمپرسید ... در صورتیکه مبلغ زیادی تفنگچی و سوار و توپچی و پلیس و غیره از دولت پول می گیرند ... با اجازه کی مدد از قونسول انگلیس می خواهی که دویست و پنجاه نفر سپاهی هندی برونند با یازده نفر که آن هم بدون تقصیر و یاغی دولت هم نبوده بجنگند

با نیروهای انگلیسی در آن آورده حتی تعداد آسیب دیدگان این درگیری را که " بیست نفر همراه و همسنگر حاج علی بودند و هر کدام ده نفر تحت عائله و تکفل داشتند " (بیات:سند شماره ۴۸، ۲۲۳)، ۲۰۰ نفر ذکر می کند. در درگیری قشون انگلیس و افراد موقرالدوله مجروحین و مصدومین به امامزاده عبدالمهمین پناه برده و در آنجا متحصن شدند. انگلیسی ها نه تنها به تحصنی که در آن زمان رونق و حرمت داشت و از اهمیت قابل توجهی برخوردار بود احترام نگذاشته و اعتنا نکردند ، بلکه توسط حاکم بوشهر موقرالدوله و دخالت مستقیم قشون خود متحصنین را تحت محاصره و تنگنای شدید آب و آذوقه قرار داده و سرانجام به اسارت درآوردند. زائرخرخان طی این نامه به امنای دولت ، عدم امنیت تمام مردم منطقه را یادآور می شود: " ماها مرتب در خطریم امروز به سر ماها بریزند یا فردا... دولت اقدام به مکافات حاجی مظلوم کرده که ما امیدوار باشیم {و} آسوده شویم " (بیات، سند شماره ۴۸، ۲۲۳-۲۲۲).

پوسیت یکی از فرماندهان ژاندارمری شیراز، طی نامه ای به ژاندارمری مرکز در ۹ رمضان ۱۳۳۳ه.ق. ژوئیه ۲۲، ۱۹۱۵م. با اشاره به این وقایع اعلام می دارد: " تماما تقصیر حاکم بوشهر {موقرالدوله} می باشد (چون که حاکم مزبور فقط هم خود را مصروف اجرای احکام انگلیسی ها می نماید) " (بیات،سند شماره ۴۹، ۲۲۴). در بررسی این اسناد مشاهده می شود که هدف موقرالدوله در قبال انگلیس ، کنترل

تابع اوامر دولت ایران است یا مطیع امر مامورین انگلیس ... حاکم بوشهر انگلیسی ها را در اموراتی دخالت داده است که ابدا ربطی به ایشان نداشته است " (بیات،سند شماره ۱۶، ۱۹۱). در همان حال مجاهدین در نامه ای به مهدیقلی مخبرالسلطنه^۱ حاکم ایالت فارس ، او را ملجا قرار داده سعی کردند صدای خود را به گوش مسئولین و دولتیان در مرکز برسانند. مخبرالسلطنه نیز که دولت انگلیس، با اشکال تراشی، سعی در برکناری او از حکومت فارس داشت. در ۲۴ رمضان ۱۳۳۳ه.ق. ۶/ اوت ۱۹۱۵م. نامه ای برای وزارت داخله مخابره و در آن مقاصد مجاهدین از جمله شیخ حسین چاهکوتاهی را که موقرالدوله با او مخالف بود ، مشخص نمود (بیات، سند شماره ۵۱، ۲۲۵) است . اینگونه مکاتبات همچنان ادامه داشت. مخبرالسلطنه از ایالت فارس به وزارت داخله برای اطلاع و نظر آنان تلگرافی در ۸ رمضان ۱۳۳۳ ه.ق. ۲۱/ ژوئیه ۱۹۱۵م. ارسال داشت که پیوست آن نامه ی زایر خضرخان تنگستانی به غضنفرالسلطنه ، خان برازجان بود. این تنها سندی است که در آن به طور مفصل آنچه رخ داده از دیدگاه نیروهای مردمی آورده شده است. در نامه ، زائرخرخان، ضمن معرفی شخصیت حاج علی تنگکی از دولت خواهان کنترل اقدامات انگلیس در منطقه و مشروح همکاری مستقیم و موثر موقرالدوله حاکم بوشهر

۱ - مهدیقلی خان مخبرالسلطنه هدایت از نواده های رضاقلی خان امین الشعرا متخلص به هدایت در زمان جنگ جهانی اول والی ایالت فارس بود. او کمال همراهی و همدردی را با ملت ایران ابراز داشت و وطن پرستان را حمایت می کرد (آدمیت، ج ۱، ۲۹).

علی تنگی و " چهارده نفر بوشهری مظلوم بیگناه آزادیخواه و وطن پرست که جرمی جز تعصب ملی و وطن خواهی نداشتند با یک کشتی پستی سریع السیر از بوشهر بهندوستان تبعید و در بدترین نقاط آب و هوایی به مدت یکسال حبس کردند (آدمیت، ج ۱، ۱۶۸). در این زمان انگلیسی ها برای قدردانی و حمایت از موقرالذوله که نهایت همکاری با آنان در به دام انداختن حاج علی را به اتمام رسانده بود و جزو دوستانشان به شمار می رفت، برای ادامه همکاری او نقشه جدیدی کشیدند: " او را به بمبئی فرستادند. تا ایام بازنشستگی را سپری کند " (فراشبندی: ۱۳۶۵، ۳۱). او " در آنجا موظف انگلیس ها بود و ماهیانه سه هزار روپیه از دولت انگلیس دریافت می نمود " (سدیدالسلطنه: ۱۳۴۲، ۶۳۴).

انگلیسی ها پس از اسارت حاج علی تنگی و تعدادی از مجاهدین در حالی که بی طرفی ایران را نقض کرده بودند، تنگک را اشغال (فراشبندی، ۲۸) و در پاسخ به مقاومت نیروهای مردمی منطقه و تداوم و تکمیل اشغالگری خود، با نیروهای نظامی، به بمباران قریه دلوار پرداخته، آنجا را به مدت چهار روز به گلوله بستند (چیک، ۱۴۵). اشغال بوشهر به تلافی کشته شدن افرادشان در درگیری با رئیس علی بود. پنج روز پس از آن، در آنجا حکومت نظامی اعلام کرده، به مصادره قوای نظامی و توقیف کشتی های ایران و افراد صاحب قلم و صاحب نفوذ پرداخته، به منع فعالیت بعضی از شرکت های تجاری ایرانی و خارجی و تاجر در بوشهر

نیروهای مردمی و تثبیت اوضاع برای پیاده کردن برنامه های آنها در منطقه و تامین منافع آنان است. لذا شیخ حسین خان چاهکوتاهی از حکومت خواهان عزل موقرالذوله (بیات، سند شماره ۵۱، ۲۲۵) شده و زائر خضرخان نیز در نامه اش به غضنفرالسلطنه تاکید می کند: " ماها بی تقصیری حاج علی دیده ایم که چه بر سرش آوردند " (بیات: سند شماره ۴۸، ۲۲۳).

در همین زمان بود که انگلیسی ها مقدمات پیاده کردن نیرو در بوشهر و تصرف کرانه های شمالی خلیج فارس را آغاز کردند:

" بیست و ششم مه امروز خبر پیاده شدن سربازان انگلیسی در بندر لنگه و افزوده شدن بر شمار سربازان انگلیسی در بوشهر رسید ... انگلیس به طور جدی قصد تصرف همه جنوب ایران را دارد " (شاخه نبات، ۲۴).

ادامه نقض بی طرفی ایران پس از دستگیری حاج علی تنگی

پس از اشغال بوشهر در سی ام رمضان ۱۳۳۳ق. / هشتم اوت ۱۹۱۵م. که موقرالذوله بدون مقاومت بوشهر را به انگلیسی ها تسلیم کرده (شهرسبزی: ۱۳۸۳، ۷۰) و پرچم انگلیس به جای پرچم ایران در آن بندر برافراشته شده بود (اوکانر: ۱۳۷۶، ۱۰۷)، انگلیسی ها به منظور کنترل افکار عمومی، او را از حکمرانی بنادر معزول و اداره امور آنجا را مستقیماً خود به دست گرفتند (خیراندیش، ۳۳۴) و با این اقدام عملاً استقلال ایران را خدشه دار کردند. حاج

برانند . همچنین بازگشت آلمانی های ر بوده شده و آزادی حاج علی تنگکی را از زندان حکمران فراهم آوردند " (بالیوز، ۳۵۰).

متعاقب آن رئیس علی هم در ۱۲ ژوئیه ۱۹۱۵م. / شعبان ۱۳۳۳ق. به تلافی دستگیری حاج علی تنگکی ، با نیروهای انگلیسی درگیر شد و تلفات سنگینی به آنها وارد کرد :

" حمله ای که ... روز ۱۲ ژوئیه یا شب ۱۳- ۱۲ ژوئیه برنامه ریزی شده بود ... گروهی از سواران به همراه سروان رنکینگ، معاون دوم بالیوز در بعدازظهرها به گشت زنی می پرداختند. این بار نیز تعداد ۲۵ نفر سپاهی دیگر به سرکردگی سرگرد الیفانت هم برای تعیین صحت و سقم این گزارش، آنها را همراهی کرده ... غافلگیرانه مورد حمله تفنگچی های دشمن {مجاهدان} - که ماهرانه خود را پنهان کرده بودند - قرار گرفتند و قبل از آنکه بتوانند از آنجا فرار کنند ، سروان رنکینگ و سرگرد الیفانت و یک نفر سپاهی جان باختند و دو سپاهی دیگر نیز مجروح گردیدند (بالیوز، ۳۵۱-۳۵۰).

پس از این وقایع ، دیگر مساله اصلی نقض بی طرفی ایران نبود، بلکه اشغال نظامی مطرح شده بود که از این پس اقدامات عملی برای بیرون راندن متجاوزان مد نظر نیروهای مبارز محلی قرار گرفت.

۱ - حاج علی تنگکی پس از این که یک ماه که در بوشهر اسیر بود، با دیگر ایرانیان اسیر شده، پس از یک سال اسارت در هندوستان ، آزاد شدند. زیرا نیروهای ژاندارمری شیراز با زندانی ساختن اتباع انگلیس و انتقالشان به اهرم در تنگستان، آنها را وجه الضمان آزادی اسرای ایرانی قرار دادند. در نتیجه در ۸ اوت سال ۱۹۱۶ طی توافقی اسرای دو طرف مبادله گردیدند (چیک، ۱۹۰).

(سفیری ، ۵۳) اقدام نمودند. این حرکت و اشغال نظامی انگلیس در ایران ، در پنجم اوت ۱۹۱۵م. / ۲۷ رمضان ۱۳۳۳ه.ق. همراه با حکومت نظامی در بوشهر ، بیش از چند ماه دوام نیاورد و سه ماه بیشتر طول نکشید. در تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۹۱۵م. / ذیحجه ۱۳۳۴ مجددا شهر و شبه جزیره بوشهر به طور رسمی به دولت ایران واگذار شد و حکمران ایرانی زمام امور را در آنجا به دست گرفت (فلور، ۵۹).

اعتراضات به دستگیری حاج علی و ادامه نقض بی طرفی ایران

با اقدام نظامی علیه حاج علی تنگکی ، در روستای تنگک و اسارت او و همراهانش ، رئیس علی و همزمانش در مقابل این تجاوز ساکت نشستند و برای نشان دادن اعتراض خود به عملیات تلافی جویانه دست زدند (مشایخی، ۳۸). در روز ششم ماه ژوئیه ۱۹۱۵م ، / ۲۳ شعبان ۱۳۳۳ق. هنوز حاج علی تنگکی در زندان حکمران بوشهر بود که شیخ حسین چاهکوتاهی و زایرخضر طی اعلانی مبنی بر جهاد و دفاع، خواهان " رها کردن حاج علی و همراهان و استرداد اموال منهوئه ایشان لاغیر ... حسین چاکوتاهی - خضر تنگستانی (نوبهار: ۱۳۳۳، سال چهارم، شماره ۶۵، ۳) شده و در بوشهر توزیع و اعلام کردند نیروهایشان آماده حمله به بوشهر است و اینکه :

" آنان به اموال ایرانی ها و اتباع غیر نظامی خارجی ها صدمه نخواهند رساند و فقط می خواهند نیروهای انگلیسی را از بوشهر بیرون

بحث و نتیجه گیری

اگرچه تنگک روستایی کوچک در مجاورت بوشهر و متصل به تنگستان بود، اما عزم و اراده مردم آن در برابر بیگانگان، آغازگر رشته وقایعی شد که به سرعت یک واقعه محلی را مبدل به پدیده ای ملی کرد. سمت گیری این واقعه محلی اعتراض به نقض بی طرفی ایران یعنی سیاست رسمی دولت مرکزی در قبال جنگ جهانی اول بود، اگرچه در پاسخ به این نقض بی طرفی و زیر پا گذاشتن حاکمیت ملی، لازم بود دولت مرکزی اقدامات عملی نظیر دفاع نظامی را انجام دهد، اما در غیاب چنین نیرویی، این نیروهای محلی صفحات جنوب کشور بودند که با تحمل مصائب بسیار از مرزهای ایران دفاع کردند. سرآغاز این رویدادها حول شخصیت هایی چون حاج علی تنگکی بود که پس از اسارت و تبعید او، رئیس علی دلواری در منطقه کوچک و دور دست جنوب ایران آن را تداوم بخشید. خاستگاه اجتماعی این دسته از مدافعان مرزها زمینه ساز شکل گیری یک دوره مقاومت های مردمی در فارس و بخصوص سواحل شمالی خلیج فارس شد که در نهایت به حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور انجامید که نمونه ای از پیوستگی تاریخ محلی و تاریخ ملی ایران در پیوند با تحولات جهانی به شمار می آید. در اینجا به عنوان یک مورد تحقیقی یک شخصیت اجتماعی کمتر شناخته شده به نام حاج علی تنگکی آغازگر سلسله حوادثی در یک محدوده محلی شد که سرانجام در ابعادی ملی

منابع

- احرار، احمد (۱۳۵۲). *طوفان در ایران*. ج ۱. اَبی جا: انتشارات نوین.
- اوکانر، فردریک (۱۳۷۶). *خاطرات فردریک اوکانر کنسول انگلیس در فارس*. مترجم حسن زنگنه. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- بالیوز (۱۳۸۶). *مشروطیت جنوب ایران به گزارش بالیوز بریتانیا در بوشهر ۱۹۱۵-۱۹۰۵ م*. ۱۳۳۳-۱۳۲۳ ه. ق. ترجمه حسن زنگنه. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایران شناسی شعبه استان بوشهر.
- بامداد، مهدی (۱۳۴۷). *رجال ایران*. جلد چهارم. تهران: زوار.
- بیات، کاوه (۱۳۷۷). *اسناد جنگ جهانی اول در جنوب ایران*. قم: مرکز بوشهرشناسی با همکاری انتشارات همسایه
- (۱۳۸۱). *ایران و جنگ جهانی اول*. سازمان اسناد ملی ایران. تهران: پژوهشکده اسناد.
- پرتو، افشین (۱۳۹۲). *گزارش های مستر چیک از رویدادهای فارس و بوشهر در جنگ جهانی اول*. تهران: انتشارات همسو.
- تنگستانی، داریوش (۱۳۸۷). *"نقش زاینخضرخان امیرالاسلام در قیام جنوب"*. مطالعاتی در باب تنگستان (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات گلگشت، ۱۳۸۷.
- (۱۳۷۳). *جنگ جهانی اول در جنوب ایران*. ترجمه کاوه بیات. بوشهر: کنگره بزرگداشت هشتادمین سالگرد رئیس علی دلواری.
- حسینی فسائی، حاج میرزا حسن (۱۳۷۸). *فارسنامه ناصری*. جلد دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حماسه رئیس علی دلواری (۱۳۷۳). *سروده منسوب به سید محمد مضطر. مقدمه و تصحیح و توضیحات محمد دادفر*. بوشهر: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مبارزات ضد استعماری. ژبی جا: شرکت سهامی انتشار.

فرامرزی احمد (۱۳۷۷). شیخ حسین چاه کوتاهی در جنگ مجاهدین دشتستان و تنگستان با دولت انگلیس. تهران: نشر و پژوهش شیرازه. فلور، ویلم او (۱۳۸۷). ظهور و سقوط بوشهر. ترجمه حسن زنگنه. تهران: طلوع دانش.

کشف تلبیس یا دورویی و نیرنگ انگلیس از روی اسناد محرمانه انگلیسی در باب ایران {۱۳۳۶}. تبریز: نشر احیاء.

کنین، عبدالحسین (۱۳۸۷). جغرافیای طبیعی و انسانی بوشهر. تهران: انتشارات طلوع دانش.

گزارشهای سالانه سرپرسی کاکس سر کنسول انگلیس در بوشهر. ترجمه حسن زنگنه. ژبی جا: انتشارات پروین، ۱۳۷۷.

مابریلی، جیمز فردریک (۱۳۶۹). جنگ جهانی اول. ترجمه کاوه بیات. ژبی جا: چاپخانه آرمان. مشایخی، عبدالکریم (۱۳۹۰). مبارزات خالو حسین دشتی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

نیلستروم، گوستاو (۱۳۸۹). جنگ جهانی اول و فارس. ترجمه افشین پرتو. تهران: نشر آباد بوم. {۱۳۷۲}. شاخه نیات.

خاطرات سرگرد نیلستروم افسر سوئدی ژاندارمری ایران از وقایع فارس و نهضت تنگستانی (آوریل - سپتامبر ۱۹۱۵). ترجمه افشین پرتو. {رشت: بهمن ۷۲}.

وادالار، (۲۵۳۶). {۱۳۵۶}. خلیج فارس در عصر استعمار. ترجمه شفیق جوادی. تهران: سحاب کتاب.

یاب، ملکم و بوش، بریتون کوپر (۱۳۸۰). خلیج فارس در آستانه قرن بیستم. ترجمه حسن زنگنه. تهران: به دید.

یا حسینی، سید قاسم (۱۳۹۱). رئیس علی دلواری تجاوزه نظامی بریتانیای و مقاومت جنوب. تهران: پردیس دانش.

----- (۱۳۸۷). "رئیس علی

----- (۱۳۵۹). خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت. بکوشش حمید سیاح و به تصحیح سیف الله گلکار. تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر. خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۷۰). "اسناد سیاسی میرزا علی محمدخان موقرالذوله حکمران بنادر". فصلنامه مطالعات تاریخی علمی پژوهشی. شماره سوم و چهارم. سال سوم. پائیز و زمستان.

روزنامه رعد، شماره ۱۶، ۲، رجب ۱۳۳۳ هجری قمری.

رکن زاده آدمیت، محمد حسین (۱۳۴۹). فارس و جنگ بین الملل. دو جلد. تهران: انتشارات اقبال، چاپ سوم.

سدیدالسلطنه (کبابی)، محمد علی خان (۱۳۴۲). بندر عباس و خلیج فارس اعلام الناس فی احوال بندر عباس. تصحیح و مقدمه احمد اقتداری به کوشش علی ستایش. تهران: کتابخانه ابن سینا.

سرلتنی، حسام (بی تا). تقویم تطبیقی یکصد و چهل و یک ساله. تهران: انتشارات زوار

سعادت، محمد حسین (۱۳۹۰). تاریخ بوشهر به تصحیح و تحقیق عبدالرسول خیراندیش و عمادالدین شیخ الحکمایی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

----- (۱۳۶۳). سفرنامه ویلسن یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران. ترجمه حسین سعادت نوری. ژبی جا: انتشارات وحید.

سفیری، فلورا (۱۳۹۳). پلیس جنوب ایران (اس.پی.آر.). ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی) و منصوره جعفری فشارکی (رفیعی). تهران: نشر تاریخ ایران.

شهرسبزی، اسما ----- ماعیل (۱۳۸۳). دلاوران دشتستانی. شیراز: انتشارات نوید.

فراشبندی، علیمراد (۱۳۶۲). گوشه ای از تاریخ انقلاب مسلحانه مردم مبارز تنگستان، دشتی و دشتستان علیه استعمار. ژبی جا: شرکت سهامی انتشار.

----- (۱۳۶۵). جنوب ایران در

، شماره ۸، ورقه فوق العاده.

عصر جدید، {سال اول} ۲۰ رجب المرجب ۱۳۳۳،

شماره ۳۶.

نوبهار، سال چهارم، اول شوال ۱۳۳۳، شماره ۶۵.

سکینه ذاکری. اردوان محمدی باغملائی. بوشهر: اول

تیرماه سال ۱۳۹۳.

دلواری، سردار دریا "مطالعاتی در باب تنگستان (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات گلگشت.

- Lorimer, G. 1908, *Gozetteer of the Persian Golf, Oman and central Arabia*, val. II Geographical and Stastistical, Calcutto.

جام جم، سال اول، سوم رجب المرجب ۱۳۳۳ ق.

